

چهل و پنجمین دقایق اعدام در بالای جرثقیل

عفت ماهباز

شاهد مرگ خویش بود

بیش از آنکه مرگ در جانش گلویی تر کند. *1

چند روز پیش در ایران، عاطفه رجبی، 16 یا 22 ساله را، در شهرستان نکا به جرم آنچه "اعمال منافی عفت" خوانده شد، به دار آویخته اند. *2. گفته های مردم محل، حاکی از آن است که عاطفه از سلامت کامل روانی برخوردار نبوده است.

حاج آقا رضایی قاضی، او را به دلیل انجام چهار بار زناى محصنه به اعدام محکوم می کند و برای زهر چشم گرفتن از دیگران او را در انظار عمومی (در خط سی متری نکا) به دار می آویزد. از آنجا که قاضی محترم کسی را نمی یابد که طناب دار را بالا کشد خودشان شخصا این کار را به عهده می گیرند.

عاطفه نوجوان به دلیل چهار بار رابطه جنسی با مردی چنین با سببیت به مرگ محکوم می گردد (او را 45 دقیقه در بالای جرثقیل حلق آویز می کنند) این در حالی است که در قوانین جمهوری اسلامی یک مرد مجاز است که چهار همسر و بی شمار زن صیغه کند. در این قضیه هم مرد دستگیر شده با عاطفه، تنها به صد ضربه شلاق توسط رییس دادگستری محکوم و پس از اجرای حد اسلامی آزاد گردیده است.

و در این سوی جهان دختران جوانی چون عاطفه بی هیچ شرمی از تجربیات جنسی خود با مردان در این سن و سال در رادیو و تلویزیون سخن می گویند. و اینکه آیا در این سنین آنها خود را مجاز به این کار می دانند یا نه با پزشکان یا مشاورین اجتماعی بطور علنی به بحث و گفتگو می نشینند.

این بار هم چون همیشه روسای اسلامی کشور ما، در زمینه مرگ و اعدام ابتکاری تازه به خرج داده اند و دختر نوجوان را به چرثقیل آویخته اند تا شاید در س عبرتی باشد برای همه زنان و دختران ایرانی و همچنین برای جهانیان که درس گیرند و بدانند که رییس قوه قضاییه بر سر قولشان ایستاده اند که "دیگر زنان ایرانی را سنگسار نمی کنند". اما ایشان همان موقع هم گفته اند که راه های دیگری خواهند یافت! و امروز همه جهان دانستند که ایران اسلامی، به اندازه کافی راه و روش برای گرفتن جان و زندگی آدمیان دارد. از طرف دیگر با این کار بار دیگر به جهانیان اعلام نمودند که نظام ما نمی خواهد در چارچوب حقوق بشر بگنجد و تلاششان برای اینکه آن را در چارچوب های انسانی بگنجانید بی فایده است.

در جهان تاکنون بیش از 108 کشور به صدور مرگ پایان داده اند. 87 کشور همچنان به حکم غیرانسانی اعدام می پردازند و ایران در این زمینه در رتبه سوم یعنی بعد از چین و امریکا قرار دارد.

طبق گزارش عفو بین الملل، اعدام عاطفه 16 ساله در نکا دهمین اعدام جوانان "متخلف خوانده شده" از سال 1990 میلادی در ایران است.

در حالیکه بسیاری از دولت های جهان با صرف هزینه های گزاف می کوشند با استفاده از زیبایی و هنر، ادبیات و صنعت آبرو و حیثیت کشورشان در افکار عمومی بالا ببرند و با چهره های انسانی در اذهان جهانیان جای گیرند، کشور ما با صرف کمترین هزینه با گرفتن جان آدمیان به شیوه های قرون وسطایی، هر بار چنین ما را در جهان غمگین و سرافکنده می سازد.

راستی آخرین دقایق عاطفه چگونه گذشت؟! با کی سخن گفت عواطفش را با چه کسی تقسیم کرد و گفت که عاشقانه های او را چنین پاسخی نه در خور است! آیا دعا کرد و دعا، که شاید قاضیبیان اسلامی به رحم آرد! نماز خواند، به عبادت نشست، با تسبیح به استخاره نشست؟ فریاد و ضجه کشید یا مادر را صدا کرد؟ و سرانجام چون کیبوتری آب نوشید و گلو را برای بریدن به قاضی سپرد؟ به آسمان نظاره کرد؟ چگونه بالای دار تاب خورد؟ شاید هم در آخرین دقایق، همراه بالا رفتن جرثقیل آواز خواند و دست در دست باد رقصید اما در چهل و پنجمین دقایق، باد بود که با او می رقصید. او که پاسخ شجاعتش در سرزمین ما مرگ است. هراس من - باری - همه از مردن در سرزمینی است

که مزد گورکن
از آزادی آدمی
افزون باشد 1

+++++

*1- شعرها از احمد شاملو
*2- به نقل از رادیو فردا و روزنامه اعتماد

کلن - پنجشنبه ۵ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۶ اوت ۲۰۰۴

efatmahbas@hotmail.com